

حکایتی از علامه طباطبایی درباره امام رضا

۲۱ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۳۷

ناگهان دست مهربانی بر روی شانه هایم قرار گرفت و با لحنی آرام فرمود: حاج شیخ حسن! چرا وارد نمی شوی؟! نگاه کردم و دیدم علامه طباطبائی است.

عرض کردم: خجالت می کشم با این آشفتگی روحی بر امام رضا علیه السلام وارد شوم. من آلوده کجا و حرم پاک ایشان کجا.

اینستاگرام علامه طباطبایی نوشت: آقای معزی نقل می کند که یک بار در ایام طلبگی به مشهد رفته بودم و در صحنهای حرم رضوی علیه السلام قدم می زدم و به بارگاه امام می نگریستم اما داخل رواقها و روضه نمی رفتم. ناگهان دست مهربانی بر روی شانهایم قرار گرفت و با لحنی آرام فرمود: حاج شیخ حسن! چرا وارد نمی شوی؟! نگاه کردم و دیدم علامه طباطبائی است. عرض کردم: خجالت می کشم با این آشفتگی روحی بر امام رضا علیه السلام وارد شوم. من آلوده کجا و حرم پاک ایشان کجا! آنگاه مرحوم علامه فرمود: طبیب برای چه مطب باز می کند؟ برای این که بیماران به وی مراجعه کنند و با نسخه او تندرستی خود را بیابند. این جا هم دارالشفای آل محمد علیهم السلام است. داخل شو که امام رضا علیه السلام طبیب الأَطباء است آقای معزی نقل می کند که یک بار در ایام طلبگی به مشهد رفته بودم و در صحنهای حرم رضوی علیه السلام قدم می زدم و به بارگاه امام می نگریستم اما داخل رواقها و روضه نمی رفتم. ناگهان دست مهربانی بر روی شانهایم قرار گرفت و با لحنی آرام فرمود: حاج شیخ حسن! چرا وارد نمی شوی؟! نگاه کردم و دیدم علامه طباطبائی است.

عرض کردم: خجالت می کشم با این آشفتگی روحی بر امام رضا علیه السلام وارد شوم. من آلوده کجا و حرم پاک ایشان کجا! آنگاه مرحوم علامه فرمود: طبیب برای چه مطب باز می کند؟ برای این که بیماران به وی مراجعه کنند و با نسخه او تندرستی خود را بیابند. این جا هم دارالشفای آل محمد علیهم السلام است. داخل شو که امام رضا علیه السلام طبیب الأَطباء است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۳۸۲/حکایتی-از-علامه-طباطبایی-درباره-امام-رضا>